

## بسیج و جنگ نامتقارن

تدوین: مهدی زروندی

فصلنامه مطالعات بسیج، سال ششم، شماره ۲۱ - ۲۰، پائیز و زمستان ۱۳۸۲

موضوع همایش: بسیج و جنگ نامتقارن

ارائه کننده: سازمان مطالعات و تحقیقات بسیج با مشارکت پژوهشکده علوم دفاعی

دبیر همایش: نبی اله روحی

عناوین ارائه شده در همایش:

- ۱ - اشکال تهدیدات و سناریوهای محتمل؛ ارائه کننده: (سردار محسن باقری)
  - ۲ - جنگ نامتقارن، بررسی تجربیات دیگر کشورها؛ ارائه کننده: (سردار رضا صادقی)
  - ۳ - جایگاه بسیج در جنگ نامتقارن با تأکید بر ناآرامی‌های شهری؛ ارائه کننده: (سید مجید جدی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع))
  - ۴ - گزینه‌های بسیج برای مقابله با تهدیدات نامتقارن با تأکید بر اشتغال سرزمینی؛ ارائه کننده: (سردار اسماعیل احمدی مقدم)
- امروزه نیروهای مردمی نقش بسیار مهمی را در جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی یک کشور دارند. نیروهای مردمی در قالب حرکت‌های ملی و جنبش‌های مردمی و نهضت‌های آزادیبخش در تعیین سیاست‌های جهانی و روابط بین الملل سهم فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

حضور نیروهای مردمی در صحنه‌های نظامی و دفاعی یک کشور به منظور کمک به نیروهای نظامی، در رفع تهاجم نیروهای متجاوز، بر کسی پوشیده نیست. به همین جهت ارتشهای مردمی جای پای خود را در منازعات و جنگهای بین کشورها و دولتها باز کرده است. عملکرد ارتشهای مردمی در دفاع غیرنظامی نیز مشهود بوده و فراتر از آن، حتی در بعضی از کشورها ارتشهای مردمی به جای ارتشهای کلاسیک و نظامیان انجام وظیفه می‌کنند. اصولاً جنگ نامتقارن با صفت نامتقارن بودن آن نوعی ناهمترازی را میان طرفین درگیر در جنگ به رخ می‌کشد. باید دانست که این ناهمترازی در چه ابعادی قابل مقایسه و تطبیق است. از آن جهت که کشورهای درگیر با یکدیگر برآوردی از توان نظامی (تهاجمی و دفاعی) کشورهای دشمن و رقیب دارند، ناهمترازی موجود را به خوبی در می‌یابند و از رو یا رویی با کشوری که توان جنگی بیشتری دارد احتراز می‌کنند. اما این به معنای نجنبیدن نیست؛ بلکه شکل جنگ و درگیری به نحوی تغییر می‌کند که برتریها و نقاط قوت کشور خصم یا رقیب، کارآمدی خود را در برابر این نوع جنگ از دست می‌دهد.

جنگ نامتقارن که امروزه در قالب استراتژی، عملیات، تاکتیک، تکنیک، ابزار و شیوه نبرد مورد توجه صاحب‌نظران عرصه امور دفاعی است، کمتر از یک دهه است که در ادبیات سیاسی و نظامی غرب مطرح است. اگر چه برخی معتقدند با توجه به ویژگیهایی که برای آن برمی‌شمارند الگوی نبرد نوظهوری نیست؛ بلکه مفهومی کهن با ادبیاتی تازه که در جنگهای گذشته می‌توان مصادیق آن را مشاهده کرد.

در حوزه امور نظامی و امنیت ملی عدم تقارن به معنی عملیات، ساماندهی و اندیشه ورزی متفاوت از دشمن به منظور به حداکثر رساندن برتری خودی و بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن، به دست گرفتن ابتکار عمل، یا به دست آوردن آزادی عمل بیشتر است. این عدم تقارن می‌تواند سیاسی استراتژیک، نظامی استراتژیک، عملیاتی و ترکیبی از اینها باشد و می‌تواند شیوه‌ها، فناوری‌ها، ارزشها، سازمانها، نسبتهای سازمانی و ترکیبهایی از اینها را شامل شود. این عدم تقارن می‌تواند کوتاه مدت یا بلند مدت، جدا از هم یا به دنبال نگرشهای متقارن باشد و می‌تواند هر دو بعد فیزیکی و روانی جنگ را شامل شود.

وجه غالب ادبیات نظامی غرب در زمینه تعریف دو توده متخاصم در جنگ نامتقارن بر محور طرف ضعیف و قوی استوار است که توجه به این نکته از جنبه

تأثیر روانی جنگ نامتقارن بسیار حائز اهمیت است؛ اگرچه این نکته باید مورد تأکید قرار گیرد که در ادبیات نظامی جمهوری اسلامی ایران جنگ نامتقارن بین دو نیروی متخاصم ناهمگون است که از قابلیت‌های متفاوتی بهره‌می‌برند و ناظر بر روشی است که کشور کوچکتر با بهره‌گیری از آن، از حاکمیت و تمامیت ارضی خود در برابر تهاجم قدرت بزرگتر دفاع می‌کند.

عناصر اصلی تعاریف جنگ نامتقارن به خوبی نشان دهنده ویژگیهای بیان شده در جنگ نامتقارن است. شمار کمتر و نابرابر نیروها، تاکتیکهای نامتعارف به کار گرفته شده در آتش افکنی‌های عملیاتی با استفاده از تکنولوژیهای پیچیده‌تر نشان می‌دهد که جنگ نامتقارن می‌تواند نسبت به نیروی درگیر در جنگ تأثیرات بسیار بزرگتری را در ابعاد سیاسی یا نظامی برجای گذارد. هر چند این تعاریف بیان شده همچنان محل بحث بوده و محققان همچنان در پی تعریفی جامع در این زمینه هستند؛ ولی از مجموع تعاریف ارائه شده می‌توان به عناصر مهم آن با توجه به نیازهای این همایش به شرح زیر اشاره کرد:

- ۱ - بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب پذیر دشمن
- ۲ - پرهیز از نقاط قوت دشمن
- ۳ - استفاده از فناوری‌های غیر قابل انتظار
- ۴ - به حداقل رساندن آسیب‌پذیریهای خودی
- ۵ - به حداکثر رساندن برترهای خود
- ۶ - استفاده از روشهای مبتکرانه
- ۷ - تضعیف اراده دشمن

حادثه ۱۱ سپتامبر به مثابه رخدادی استراتژیک به معنای تحقق عینی تهدیدات نامتقارن بود و همین امر نقطه عزیمت امریکا را برای باز تعریف نقش و موقعیت امریکا و استراتژی جدید مقابله با تهدیدات نامتقارن فراهم آورد. از جمله پیامدهای استراتژیک حادثه ۱۱ سپتامبر در حوزه نظری، غلبه سیاستهای نظامی امنیتی بود که ادبیات سیاسی - نظامی موجود را دستخوش تغییر کرد. حادثه ۱۱ سپتامبر فرصتی را برای امریکا فراهم آورد تا برهنده امنیتی جهان نگاه جدیدی بیاندازد و برای شکل‌دهی به تغییرات مورد نظر خود از عنصر قدرت نظامی استفاده کند.

بنابراین به کارگیری قدرت نظامی به عنوان محور تحولات سیاسی، اساس استراتژی امریکا را تشکیل می‌دهند.

امریکا با تکیه بر قدرت نظامی و پوشش مبارزه با تروریسم، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و گسترش دموکراسی، به دنبال تحقق نوع جدیدی از مهندسی سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه و تأمین امنیت استراتژیک برای منافع ملی و برتری بلامنازع خود است. برداشت عمومی از روند وقایع و ماهیت تهدیدات امریکا برای امنیت و هویت و موجودیت نظامی جمهوری اسلامی ایران به پیدایش این سؤال منجر می‌شود که در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه و نظامی امریکا برای تغییر جهان و دگرگونی نظام‌های سیاسی چه باید کرد؟ لذا مفهوم‌بندی و تبیین تهدیدات و ماهیت و اهداف آن و طراحی‌های لازم برای مقابله با وضعیت‌های احتمالی آینده بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

تلاش این همایش بر این است که ضمن بررسی ماهیت تهدیدات امریکا، گزینه‌هایی بسیج به عنوان سازمانی که مأموریت جذب، آموزش، سازماندهی، تجهیز و به کارگیری آحاد مردم برای مقاومت مردمی و دفاع از کشور را بر عهده دارد، برای مقابله با تهدیدات امریکا مورد بحث و بررسی قرار دهد. گزینه‌هایی که با تأکید بر تقویت نقاط قوت منحصر به فرد نیروی مقاومت بسیج و با استفاده از آسیب‌پذیریهای بالقوه دشمن، بیشترین مزیت نسبی را برای نیروهای خودی در یک محیط استراتژیک فراهم کند.

به همین منظور سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج با همکاری پژوهشکده علوم دفاعی در ۱۹ اسفند ۱۳۸۲ به برگزاری همایش تخصصی با عنوان بسیج و جنگ نامتقارن اقدام کرد که با مشارکت و همکاری پژوهشگران و کارشناسان بسیج و جنگ نامتقارن به بحث و بررسی گذاشته شد. در این گزارش شرح فشرده محورهای اصلی مباحث مطرح شده در همایش مزبور در معرض نظر خوانندگان ارجمند نشریه قرار می‌گیرد.

### اشکال تهدیدات و سناریوهای محتمل

استفاده امریکا از عنصر نظامی برای تأمین اهداف سیاست خارجی در منطقه خاورمیانه بار دیگر این مسئله را مطرح کرد که قدرت نظامی طی دهه اخیر، می‌رفت

در سلسله مراتب قدرت ملی به مرتبه سوم سقوط کند و بار دیگر در رأس هرم قدرت ملی قرار گیرد. نویسنده سقوط سریع طالبان در افغانستان و تصرف سریعتر بغداد در حمله امریکا را به کارگیری عنصر نظامی از سوی امریکا برای تأمین اهداف خود می‌داند، چرا که این راه سریعتر و در عین حال بهره‌دهی آن بیشتر است و شرکاء کمتری را نیز در تقسیم امتیازات حاصل از تصرف در بردارد.

بعد از این توضیح، سردار باقری این سؤال را طرح کردند که هدف بعدی امریکا کدام کشور است؟ وی ایران را که از نظر امریکا طرف مهم و به نوعی عامل اصلی بحران منطقه خاورمیانه است معرفی می‌کند و این کشور را در معرض خطر جدی و تهدید مستقیم امریکا می‌داند و در این مورد می‌آورد: هم اکنون جمهوری اسلامی ایران از سه سمت همسایگی و یا به تعبیر دیگر تهدید مستقیم همسایه ناخوانده، امریکا، قرار دارد. به هر حال این وضعیت برای نیروهای نظامی شریطی را پدید می‌آورد که چنانچه دشمن بخواهد تهدیدات خود را عملی کند چگونه اقدام خواهد کرد. نویسنده مدلهای یوگسلاوی، افغانستان و عراق را بررسی می‌کند و بیان می‌دارد: «هر کدام از این مدلها اگرچه برتریهایی برای دشمن دارد؛ اما در خصوص جمهوری اسلامی ایران دچار مشکلاتی است». ایشان این مشکلات را این‌گونه برشمرد: وسعت خاک ایران، وجود دو سلسله جبال عظیم زاگرس و البرز، عمق استراتژیک، خصوصیات جمعیت منحصر به فرد، پیوستگی دولت و ملت، حضور رهبری قدرتمند و تجربه هشت سال جنگ با عراق همگی سناریوهای مختلفی را برای دشمن مطرح می‌کند.

مقاله با بررسی این مشکلات در ادامه با نگاهی به عملیاتهای اخیر امریکا و ضمن بررسی اجمالی آنها، حجم و سمت تهدیدات امریکا و سناریوی احتمالی آن را نیز تجزیه و تحلیل می‌کند.

### جنگ نامتقارن، بررسی تجربیات دیگر کشورها

تعاریف ارائه شده از جنگ نامتقارن، این جنگ را رویارویی دو نیروی بزرگ و کوچک مطرح می‌کند که نیروی کوچکتر در طی آن تلاش دارند بسا اتخاذ تدابیر و تاکتیکهایی که از مواجهه با نقاط قوت طرف مقابل دوری گزینند و بر نقاط ضعف قدرت بزرگتر ضربه زند تا نیروی غالب این کارزار باشد.

نویسنده در مورد استفاده از واژه جنگ نامتقارن توسط کشورها آورده است: نظامیان امریکایی از واژه جنگ نامتقارن برای توصیف تهدیدات در پیشروی این کشور، در دوران پس از جنگ سرد، که عمدتاً گروههای مسلح ضد امریکایی هستند، استفاده می‌کنند؛ اما این واژه در ادبیات نظامی ایران، تعبیر به شیوه‌ای از جنگ بین دو قدرت نا برابر است که کشور کوچکتر با بهره‌گیری از آن، از حاکمیت و تمامیت ارضی خود در برابر تهاجم کشور قدرتمند دفاع می‌کند.

نویسنده، ضمن اشاره به جنگهای اتفاق افتاده در قرن بیستم، معتقد است در جنگهایی که بین قدرتهای همپراز و غیرهمپراز رخ داد پیروزی از آن کشوری بود که توان و قدرت نظامی برتری داشت و در مواردی نیز در این مخاصمات، پیروزی نصیب کشورهای ضعیف شده است مثل جنگ مقاومت چین در برابر ژاپن، نهضت مقاومت آلبانی علیه تهاجم ارتش ایتالیا، مبارزه مردم ویتنام در برابر استعمار فرانسه، نهضت آزادیبخش ملت ویتنام در مقابل تجاوز امریکا، نهضت مردم الجزایر در برابر استعمار فرانسه، مقاومت گینه در برابر پرتغال، مجاهدان افغانستان در برابر شوروی و مقاومت لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی از این دست جنگها بودند.

سردار صادقی، ضمن بررسی این جنگها، مروری بر نتایجی از این جنگها می‌کند که بر اساس آن در کنار گزینه «سرنوشت جنگ بستگی تام به توان نظامی طرفین دارد» گزینه دیگری را مبنی بر «اراده و نیروی متحد ملتها می‌تواند قدرت به مراتب بزرگتر را از پای درآورد» مطرح می‌کند و آن را رویکردی اجتناب‌ناپذیر برای دفاع از کشور در برابر تهاجم قدرتها یا ابرقدرتهای جهانی انتخاب می‌داند.

### جایگاه بسیج در جنگ نامتقارن با تأکید بر ناآرامی‌های شهری

تحقق تهدید نظامی امریکا و موفقیت آن نیازمند بسترهایی در سطح ملی و بین‌المللی است که به عنوان عوامل حمایت‌کننده از اقدامات نظامی امریکا عمل کند و اراده مسئولان در مقاومت را به پائین‌ترین حد تقلیل دهد. وجود نارضایتی‌های موجود در جامعه و احتمال گسترش بیشتر آن، زمینه‌ای مناسب را برای ایجاد و تشدید شکاف بین دولت و جامعه فراهم می‌آورد که در صورت فراگیر شدن این نارضایتی‌ها و بروز آن به صورت بحرانهای شهری، فرصتی را برای بهره‌برداری امریکا فراهم می‌سازد؛ زیرا مشروعیت بخشیدن به اقدامات نظامی و جلوگیری از

شکل‌گیری مقاومتهای مردمی در مقابله با تهدید امریکا از مهمترین دغدغه‌های سیاستمداران امریکا به حساب می‌آید. این در حالی است که بحرانهای شهری می‌تواند به نوعی در برطرف کردن آن کمک کنند.

نویسنده موارد مذکور را به عنوان یک اصل پیشگیری از وقوع بحرانها مطرح می‌کند؛ ولی این امر نیز کاملاً مشخص است که در تمامی شرایط نمی‌توان از وقوع بحرانها جلوگیری کرد، در نتیجه آمادگی در برخورد با بحرانها امری کاملاً عقلایی به حساب می‌آید.

نویسنده در ادامه با طرح سناریوهای محتمل وقوع بحرانهای شهری در رابطه با تهدید امریکا، جایگاه و نقش نیروهای بسیج بر اساس تجارب ناشی از برخورد با بحرانهای گذشته را در برخورد با بحرانهای مرتبط با تهدید امریکا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

## گزینه‌های بسیج برای مقابله با تهدیدات نامتقارن با تأکید بر اشغال

### سرزمینی

تهدید امریکا علیه امنیت و موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران، بررسی استراتژی‌های دفاعی لازم برای مقابله با وضعیت‌های احتمالی آینده را بسیار ضروری می‌سازد.

نویسنده در این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال است که گزینه‌های نیروی مقاومت بسیج با توجه به ظرفیتها و توانمندیهای این سازمان، برای مقابله با تهاجم زمینی ارتش امریکا به عنوان یکی از اشکال احتمالی تهدیدات امریکا چیست؟ سردار مقدم محورهای زیر را به عنوان سرفصل اصلی مقاله خود ارائه کرده است:

- ۱ - گذری بر ویژگی‌های جنگ آینده که در این محور، زیر محورهای جنگ کوتاه مدت و سریع، جنگ پرشدت، جنگ هوایی، زمینی و دریایی توأم، فرماندهی مرکب و تکیه بر تکنولوژی برتر، نیروی انسانی اندک متخصص و مجهز
- ۲ - محورهای احتمالی تهدید

بحث بعدی مقاله به دکترین نیروی مقاومت بسیج سپاه در مقابله با تهدیدهای نامتقارن می‌پردازد و خصوصیات و جنبه‌های این دکترین مورد تحلیل قرار می‌گیرد و سپس نقش و مأموریت‌های بسیج را در عرصه‌های مستقل، مشترک با نیروهای مسلح

همراه با نرسا و ندسا، ارتش و ناجا بررسی می‌کند و در ادامه مأموریت‌های مشترک نیروی مقاومت بسیج با سازمانها و دستگاههای غیرنظامی را تحلیل می‌کند. در پایان، مقاله به اقدامات انجام شده در بسیج در بُعد طرح‌ریزی، سازماندهی، آموزش، تجهیز، آمادگی رزمی و فرماندهی و کنترل به بحث و بررسی می‌پردازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی